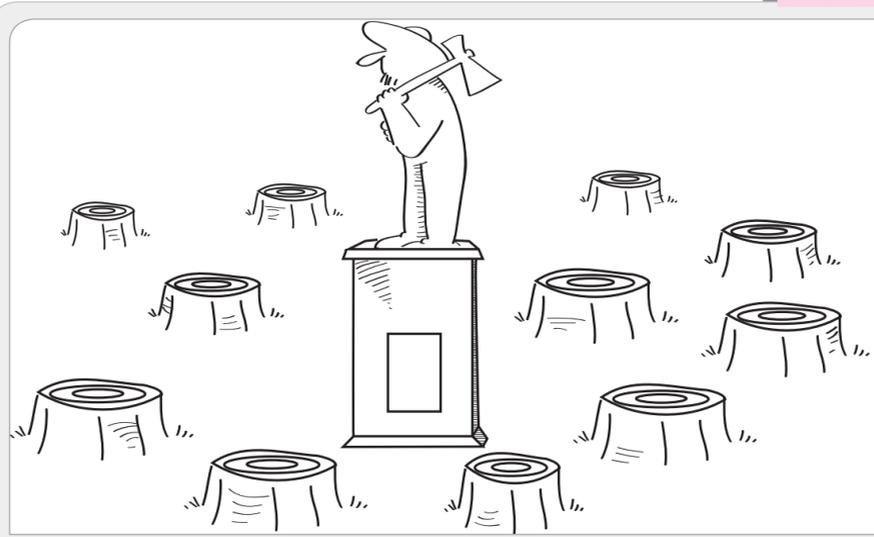


## کارتون روز



بدون شرح

طرح: حسین عزیزاده

## نامه‌های زرد

تقدیر فیلم

**ارسلان عربلویی** - شامگاه شنبه ۲۱ فوریه (۲ اسفند)، آیین پایانی هفتادوششمین دوره Berlin International Film Festival در فضایی آکنده از انتظار و هیجان برگزار شد و سرانجام خرس طلایی ۲۰۲۶ برای بهترین فیلم بلند سینمایی به «نامه‌های زرد» ساخته (ایلکر چاتاک) Ilker Çatak رسید؛ فیلمسازی که در سال‌های اخیر با نگاهی موشکافانه به مسائل اجتماعی و اخلاقی، جایگاه ویژه‌ای در سینمای معاصر آلمان یافته است.

«نامه‌های زرد» درامی اجتماعی-سیاسی است که با تمرکز بر مسئله هویت، مهاجرت و حافظه تاریخی، روایتی انسانی و در عین حال انتقادی از تجربه زیسته مهاجران ترک‌تبار در آلمان ارائه می‌دهد. چاتاک در این فیلم نیز مانند آثار پیشینش، از یک موقعیت فردی آغاز می‌کند و آن را به سطحی گسترده‌تر از پرسش‌های جمعی و تاریخی پیوند می‌زند.

### روایت داستان

داستان درباره معلمی جوان و ترک‌تبار در آلمان است که به‌طور اتفاقی مجموعه‌ای از نامه‌های قدیمی متعلق به دهه ۱۹۹۰ را می‌یابد؛ نامه‌هایی نوشته‌شده بر کاغذهای زرد و فرسوده که حامل رازهایی ناگفته از گذشته خانواده او هستند. کشف این نامه‌ها، او را با لایه‌هایی پنهان از تاریخ شخصی و جمعی روبه‌رو می‌کند: تجربه مهاجرت، تبعیض‌های نژادی، خشونت‌های سیاسی و انتخابات‌های دشواری که نسل پیشین برای بقا ناگزیر به انجام آن بوده است. قهرمان داستان در برابر یک دوگانگی اخلاقی قرار می‌گیرد؛ سکوت برای آرامش و امنیت، یا افشای حقیقت و مواجهه با پیامدهای آن. همین کشمکش درونی، موتور پیش‌برنده درام است؛ درامی که با ضرب‌آهنگی آرام اما مملو از تنش پیش می‌رود و مخاطب را به تامل درباره مسئولیت فردی در برابر گذشته فرا می‌خواند.

### زبان سینمایی و ساختار روایی

چاتاک در «نامه‌های زرد» از فضایی واقع‌گرایانه و شخصیت‌محور بهره می‌گیرد. دوربین اغلب نزدیک به چهره‌ها می‌ماند و با ثبت جزئیات رفتاری و سکوت‌های معنادار، لایه‌های روانشناختی شخصیت‌ها را آشکار می‌کند. فیلم بیش از آنکه بر حادثه تکیه کند، بر کشف تدریجی حقیقت و سیر تحول درونی قهرمان استوار است. این رویکرد، یادآور گرایش سینمای اجتماعی اروپا به بازنمایی زندگی روزمره در بستر بحران‌های تاریخی است؛ جایی که امر خصوصی و امر سیاسی در هم تنیده می‌شوند و سرنوشت فرد، بازتابی از تاریخ جمعی می‌شود.

### رنگ «زرد» به مثابه استعاره

عنوان فیلم و تأکید بر «زردی» کاغذها، کارکردی فراتر از یک نشانه بصری دارد. زردی می‌تواند نشانه کهنگی و گذر زمان باشد، اما هم‌زمان تداعی‌کننده هشدار، اضطراب و حتی ترس نیز هست. کاغذهای زردرنگ، حافظه‌ای بایگانی‌شده را نمایندگی می‌کنند؛ حافظه‌ای که به‌ظاهر خاموش است، اما همچنان زنده و تأثیرگذار باقی مانده است. در این معنا، جامعه‌ای که خاطرات دردناک خود را در کشورهای بسته نگه می‌دارد، با بحرانی حل‌نشده زندگی می‌کند. «نامه‌های زرد» نشان می‌دهد که سرکوب گذشته نه به فراموشی، بلکه به بازگشت پر قدرت تر آن می‌انجامد.

### مهاجرت و «حافظه پنهان»

یکی از مضامین مرکزی فیلم، حافظه ناگفته در خانواده‌های مهاجر است. نسل نخست مهاجران، اغلب با منطق بقا، سکوت و سازگاری زندگی کرده‌اند؛ سکوتی که گاه برای حفاظت از فرزندان ضروری می‌نمود. اما نسل دوم، در جست‌وجوی هویت و عدالت، با پرسش‌هایی بی‌پاسخ مواجه می‌شود. فیلم به‌خوبی نشان می‌دهد که چگونه گذشته سرکوب‌شده، در بزنگاه‌های تاریخی و شخصی سر برمی‌آورد و بر هویت فردی و جمعی سایه می‌اندازد. نامه‌ها در اینجا نه فقط اسنادی تاریخی، بلکه آینه‌ای برای بازشناسی خویش هستند.

### شکاف نسلی و تعارض اخلاقی

«نامه‌های زرد» تصویری دقیق از شکاف نسلی در خانواده‌های مهاجر ارائه می‌دهد. والدین با تجربه تبعیض و ناامنی، سازگاری را برگرزیده‌اند؛ فرزندان اما در فضایی نسبی از ثبات، خواهان شفافیت و عدالت‌اند. این تفاوت تجربه، به تعارضی اخلاقی بدل می‌شود: آیا حقیقت را باید گفت، حتی اگر بنیان‌های خانواده را بلرزاند؟ یا سکوت، شکلی از مسئولیت‌پذیری است؟ چاتاک بدون صدور حکم قطعی، این دوگانه را در برابر تماشاگر می‌گذارد و او را به مشارکت در داوری اخلاقی فرا می‌خواند. خرس طلایی ۲۰۲۶ برای «نامه‌های زرد» را می‌توان نشانه‌ای از توجه دوباره سینمای اروپا به مسئله هویت و حافظه در بستر تحولات سیاسی معاصر دانست. فیلم چاتاک با روایتی سنجیده، بازی‌های درونی و فضایی متأملانه، از یک داستان خانوادگی فراتر می‌رود و به تاملی عمیق درباره نسبت گذشته و اکنون بدل می‌شود؛ اینکه هیچ جامعه‌ای بدون مواجهه صادقانه با تاریخ خود، به آرامش پایدار نخواهد رسید.

بین‌الملل

## فرشی زیبا روی پشت‌بام مرکز هنری

بر روی پشت‌بام تریمز، مرکز هنری و فرهنگی شهر داکار، سنگال، ماتسو با چیدمانی نو و پویا، فضایی دلنشین را بسا بکارگیری از رنگ و شابلون، نقش‌های آشنا در فرهنگ کشورش، مانند کشتی سنتی، ردهای پرندگان، ماهی و پارچه‌های مومی بر فراز شلوغی و هیاهوی شهر ایجاد می‌کند. ماتسو همچنین از واژه ترانگا الهام گرفته، واژه‌ای در زبان ولوف به معنای «مهمان‌نوازی» است، اما با فلسفه‌ای بسیار جامع‌تر از بخشندگی و پذیرش نیز شناخته می‌شود. از صدها سال پیش ترانگا به گشودگی و داد و ستد کشورها با یکدیگر بها داده و امروزه نیز یک جنبه جدایی‌ناپذیر و تعیین‌کننده از سبک زندگی سنگالی هست. ماتسو برای ماندن به تریمز دعوت شد، جایی که در آغاز می‌بایست یک نقاشی دیواری می‌کشید. اما او از فضای پشت‌بام مشترک مرکز الهام گرفت و فرشی بزرگ و پر نقش را که یادآورنده روحیه ترانگا و ستایش فرهنگ سنگالی است، کشید. این هنرمند می‌گوید: «به جای نقاشی روی دیوار، تصمیم گرفتم روی تراس پشت‌بام کار کنم، فضایی زنده که برای گردهمایی‌ها، جشن‌ها و پایکوبی‌ها استفاده می‌شود.» او می‌افزاید که نقاشی فرش روی زمین، ساخت «فضایی نمادین و روباز برای پیوند و زنده کردن آیین‌ها» را آسان می‌کند.

برگردان: مهتاب خظیر



## گروه آپرانیک (حمیرا وارسته - نفیسه حقیقت جوان)

چیدمانی هشداری از بطری‌ها و زباله‌های پلاستیکی شکل لاک‌پشت‌ها برای حفظ محیط‌زیست این جانوران ساکت اقیانوس‌ها، میز ساخته‌شده از بطری‌ها و لاک‌پشت‌سوار بر این میز لرزان و در نهایت پوستر هشدار در کنار اثر که به جدیت امر اشارت دارد؛ رابطه زبان و مجسمه و مفهوم.



## بهاره فرزد

تلفنی با ۲ دست و ۸ انگشت (نزدیک به اثر تلفن و خرچنگ سالوار دالی)، همانندی کارکرد دست‌ها و گوشه، دادن و گرفتن، اثری با ارائه مفهوم گفتن و شنیدن توسط اندامی که صدا دارد، اما شنیدن خیر، آیا درازدستی به بلندی صدا می‌رسد؟ نقش ارتباطات و دست‌ها، نوع بر هم گذاشتن دست و احساس انتظار امری که می‌تواند نقطه ثقل باشد.



## پرپسا پوریا

۲ ماهی با پولک‌هایی از جنس سی دی (پلاستیک)، تقابل و همنوایی صداهای درون سی دی‌ها و سکوت دائمی ماهی‌ها، انتخاب مناسب و متناسب سی دی به جای پولک‌های ماهی به‌لحاظ فرمی، طرز قرارگیری یکی سبب‌دار و دیگری مستقیم به‌سوی آسمان، جداسازی سر از بدن‌ها، اندازه و رنگ چشم‌ها، باری دریا و حیواناتش که مادر و بخش مهمی برای زیست انسان و دوام حیات این کره خاکی هستند.



## خانم ماهانی صالحی نژاد

نگهداری یادگارها در ۲۵ قفسه به ابعاد مختلف و هر کدام با داستانی خاص، ترکیبی از زمان و وقایع مربوط به اشیاء، از آن چه کسی و گاه چیستی پرسش‌های مدور ذهن بیننده، تاریخی فشرده از زمین و دست ساخته‌های بشر، نقش عدد ۴ با دوی دل، ساعت‌ها و گذر زمانی که در آنها متوقف شده، کندوی خالی عسل و قاب خالی فلزی، عروسک‌ها، سکه‌ها، سنگ‌ها، ناگهان شمع فرسوده موتورسیکلت، شاید پروانه‌ای از درون این قفسه‌ها صدایم کند شاید!



## سخن پایانی

۸گام میان زباله‌ها زدیم تا شاید دیگران را به زباله حوالت ندهیم و زیبایی را به‌خاطر سپریم.

## زیبایی را به خاطر بسپاریم...

بابک بهاری: گروهی هنرمند با زباله‌ها آثاری دوست‌داشتنی را به همت خانم‌ها لیلی شاهنجزینی و گلنار فرهمند به تماشا نشاناند. البته صرف تماشا نه بلکه تلنگری هم بر جان بیننده زنده تا پس از ترک نمایشگاه ترک بی‌میلانی و آشغال‌ریزی را با خود همراه برند. البته بیشتر آثار با پریش امر زیباشناختی و گرایش‌های هنری ماقبل مدرن (هنر باز تاب طبیعت) ارائه شده بود که با توجه به نام‌گذاری نمایشگاه غیر این را تصور نمی‌شد و همین اشارات هشدارگانه را بس.

### سید محمود مرتضوی (اصفهان):

اتوپوسی با جزئیات فراوان و کارکرد فنی تمامی بخش‌ها، رعایت تناسب اندازه‌ها، دقت بالا در اجرای تمامی بخش‌ها متحرک اثر، باز و بست شدن تمامی قطعات با توجه به کارکرد همان بخش به‌لحاظ فنی، غلبه امر زیباشناختی و نوستالژیک بر کلیت اثر هنرمند، مینیاتوری صنعتی از شهر مینیاتور نیمه دیگر نقش جهان.



### کیان‌دخت سلطانی فرد

شلی بافته‌شده (به مدت ۲ سال!) از کیسه پلاستیک‌های رهاشده در کوهستان، اثری بس تلخ و هوشمندانه که همچون سیلی بر گونه بیننده ناخفته می‌شود، ضد لیبسی از کوهستان که هنرمند بی‌پریایه و بدون تکیه بر زیبایی‌شناسی آن را ارائه کرده، یادآوری ظریف نقش هر حرکتی ولو خرد و ناچیز چگونه بهمنی مهیب می‌شود بر کوهساران.



### احسان ملک‌سعیدی

اسب و لاک‌پشت و برآیند ایده مفهومی این دو، ترکیب مظاهر برق و باد بودن و آرامی و آهستگی، مهارت اجرایی و یادآوری نقش زیستی و فرهنگی این دو، توانایی تجابت و صبوری و حکمت، گسست انرژی و سکون از سویی و تحمل این بار پرن از سویی دیگر، دویارگی ذهن بیننده در یک وحدت مادی که سرانجام در لاک‌ی که به بال‌های اسبی چنین به‌هم می‌رسند.

